

پاسخ به سؤال در مورد نقطه نظرهای حسن آقامیری

گروه ۵ : پاسخ های مربوط به حقانیت کامل اسلام

شماره: ۴

نوع پاسخ: نوشتاری و صوتی

-پاسخ صوتی را در پایین متن دریافت نمایید.

تاریخ ثبت: بیست و هشتم فروردین ماه هزار و چهارصد و یک

سؤال:

سلام علیکم، اخیرا شخصی به نام حسن آقامیری یک سری شبهات کلیدی و پایه ای را به دین وارد کرده که بسیار فساد برانگیز و خطرناک است، او در سخنرانی های خویش از جمله موارد زیر را عنوان می کند:

۱ / مرگ را برای غالب افراد زیبا و راحت جلوه می دهد و شرط داشتن دین و شریعت درست را در این مورد و نجات بعد از مرگ، منتفی می داند.

۲ / موضوعات وارده در مورد سؤال در قبر و تلقین به میت و احکامی از قبیل گذاشتن جریده و حضور نکیر و منکر و عالم برزخ را چرت و پرت و دری وری معرفی می کند. و از زبان کمونیست ها و با تأیید مطرح می کند که اگر سؤال در قبر صحت دارد، بایستی با وسائل امروزی مانند دوربین و ضبط صوت نشان داده شود.

۳ / حتی عقوبت های مطرح شده صریح در قرآن در مورد بدن را ، برای ترساندن افراد و غیر عملی معرفی می کند.

۴ / خلود در عذاب را کلا منتفی می داند و این امر صریح قرآن را حتی برای مشرکین منکر می شود.

۵ / با مطرح کردن این موضوع که بهشت توصیف شده مال مردان است و همه چیزش مربوط به مردان است، علاوه بر آنکه فرض را بر این می گیرد که توصیفات مربوط به بهشت بافته افراد و غیر واقعی است، نتیجه می گیرد که این بافتنی ها توسط یک مرد بافته شده است، و می گوید: اگر بافنده زن بود برای زنان نیز چیزی قرار می داد.

۶ / احادیث مربوط به فوائد قرائت برخی از سوره ها و آیات قرآن و منجر به شفا بودن آنها را انکار می نماید و آنها را نیز چرت و پرت و جعلی معرفی می کند، و میگوید: پس دکتر نرویم. اگر ممکن است این موارد را تبیین نمایید.

پاسخ نوشتاری:

ما آشنایی با این شخص و ایده های او نداشتیم و برای اطمینان از موارد ذکر شده در سؤال شما، به نقطه نظرهای ایشان که عموما در قالب سخنرانی ظاهرا دینی و گفتگو در فضای مجازی، و یک نمونه به اصطلاح مناظره بود، مراجعه کردیم؛ و با کمال تأسف مشاهده کردیم که بدون آنکه بتوان ادعای تقطیع تغییر دهنده معنا در مورد آنها نمود، عین این سخنان قرآن ستیز و مغایر با احادیث مسلم و مبانی واضح اسلام، با کمال تأثر در لوای یک مبلغ دینی و شیعی از او صادر شده است.

و ما در اینجا فعلا در پاسخ به درخواست شما، جز در مواردی که در مقام آوردن برهان مورد نیاز است، مستقل از شخصیت گوینده آن، به تبیین باطل و مغایر با قرآن و اسلام بودن این ایده ها می پردازیم؛ و در ضمن آمادگی کامل خود را نیز جهت گفتگوی مستقیم با گوینده آن اعلام می نماییم.

الف- این که ایشان در یک سخنرانی با ادعای نادرست استناد به احادیث شیعه، مرگ را مستقل از داشتن دین و شریعت درست، زیبا و راحت جلوه می دهد؛ و اگر حدیثی هم می گوید با رأی خویش آن را تفسیر می کند، درست برخلاف نص قرآن در اواخر سوره واقعه می باشد که حالت مرگ را برای سه گروه، مختلف نقل نموده، و برای مقربین از جمله راحتی و آسایش، و برای تکذیب کنندگان گمراه از جمله پیشکشی از آب جوشان و چشیدنی از آتش سوزان را معرفی می کند.

و در احادیث معتبر شیعه نیز این تفکیک در ارتباط مستقیم با دین و شریعت کاملا واضح ذکر شده است؛ که از جمله می توان فرمایش امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در کتاب معانی الاخبار را ذکر نمود؛ که در مورد دوستان فرمانبردار از خودشان مرگ را بشارت به نعمت های همیشگی، و در مورد دشمنان مخالف با خودشان آن را بشارت به عذاب همیشگی معرفی می کنند.

ب- در مورد انکار احادیث مسلم مربوط به سؤال در قبر و به تمسخر گرفتن تلقین به میت و... توسط ایشان، و نستجیر بالله چرت و پرت و دری وری معرفی کردن این حقایق که نیاز به ایمان به امور غیبی و پنهان از حواس دارد، چنین انکاری از مانند ایشان امر

عجیبی نیست.

چرا که طبق نص قرآن در اوایل سوره بقره، ایمان آوردن و باور امور پنهانی ای که از جانب خداوند و فرستادگان او بیان شده است، از صفات اهل تقوی است؛ و کسی که افتخارش آن است که خود را آزاد می داند و با یک خواننده زن بی حجاب ساکن در خارج در جهت ایراد به آواز خوانی زن ها هم صدا می شود، و با افتخار استناد می کند که در کنسرتی که یکی از نوازنده های آن زن بوده است شرکت کرده است، چطور ممکن است امور پنهان از حواس را باور و تصدیق نماید!

وگرنه این قبیل امور و احکام آن در همان احادیث معتبر و دستور العمل هایی از اولیاء دین ذکر شده که بقیه احکام و اعتقادات صادر شده است، و صدور غالب آنها با معیارهای صحیح در نزد اهل علم ثابت و با عقل سلیم موافق است.

پس، از جمله سؤال و جواب در قبر امری حتمی است؛ ولی طبق فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام در کتاب کافی، مربوط به همگان نبوده و مخصوص مؤمنین خالص و کافرین خالص است؛ و هرگاه دوربین و ضبط صوتی در قبر کار گذاشته شود، حتی اگر شخص یکی از این دو گروه باشد، باز هم با توجه به تفاوت ماهیت عالم برزخ و عالم دنیا، معلوم نیست که آن صحنه توسط این اشیاء ثبت و ضبط شود؛

چرا که علاوه بر محدودیت های عملکرد این ابزارها در خود جهان مادی، مثلاً ای بسا شخص خوابی در جلوی چشم ما در عالم رؤیا در حال گفتگو و بازجویی ها و غم ها و شادی ها باشد، ولی نه ما آن را می بینیم و نه دستگاهی قدرت ضبط و ثبت آن را دارد.

ج- در باره مورد سوم که ایشان از جمله در یک مناظره مطرح می نمایند، صریحاً این مفهوم را ابراز می کند که عقوبت های مطرح شده از جانب خداوند نیز برای ترساندن افراد است و عملاً واقع نخواهد شد، او در این مورد به حدیثی استناد می کند که به قول او خُلف و عید را از جانب خداوند جایز می شمارد.

در حالی که این کلام او تکذیب و نقض صریح بسیاری از آیات قرآن است که در آنها عذاب های آخرت و اوضاع جهنم صرفاً با جمله خبری و نه به صورت عید و تهدید مطرح و اعلام می شود؛ که به عنوان مثال خداوند ارحم الراحمین و در عین حال اشد المعاقبین در آیه سی ام سوره قاف می فرماید:

«روزی که به جهنم می گوییم آیا پر شدی و او می گوید آیا زیادت از این هم هست»

که این موضوع نیز ان شاءالله در قسمت صوتی واضح تر تبیین خواهد شد.

د- در باره مورد چهارم که از جمله باز در همان مناظره مطرح و بر روی آن پافشاری می کند، همانطور که گفتید، همیشه باقی ماندن در عذاب را حتی برای مشرکین انکار می نماید.

در حالی که این سخن ناروای او نیز تکذیب بخشی دیگر از آیات واضح و فراوانی در قرآن است که با صراحت، همیشه و برای ابد باقی ماندن در آتش را باز هم در مقام خبر دادن، و نه در مقام تهدید، از برای گروهی از جهنمیان اعلام می نماید.

و استناد ایشان به استثناء ذکر شده در آیه صد و هفتم سوره هود نیز کاملاً غیر علمی و نادرست است. چرا که در آنجا نیز همسوی با بسیاری از آیات دیگر همیشه بودن در آتش اعلام، و سپس خواست خداوند استثناء می شود؛ که وجه این استثناء طبق مآخذی که ان شاءالله در بخش صوتی ذکر خواهد شد، در مورد کسانی است که از لحاظ مبانی اعتقادی در مورد اعتقاد به توحید و نبوت و...، با سلامت از دنیا رفته اند و بخاطر کثرت گناهانشان داخل جهنم شده و پس از مدتی عذاب خارج می شوند.

ه- و درباره موضوع پنجم که به نادرستی گفته می شود، بهشت توصیف شده همه چیزش مربوط به مردان است، و از این طریق توصیفات بهشت به بافته های یک مرد نسبت داده می شود؛

اولاً:

این کلام دروغی بیش نیست و علاوه بر آنکه طبق قاعده غلبیت در عربی، وقتی که با خطاب مذکر مردان مؤمن و متقی ذکر می شوند خود به خود زنان مؤمنه و با تقوا نیز مورد نظرند؛ در چندین جای قرآن به طور اختصاصی سعادت های آخرت و نعمت های بهشت، علاوه بر مردان مؤمن به زنان مؤمنه نیز وعده داده می شود.

ثانیاً:

این هم که مردان در بهشت دارای تعدد زوجات بوده و هم با حوریه های بهشتی و هم با برخی از زنان مؤمنه متنعم در بهشت ازدواج می کنند، ولی زنان مؤمنه در آنجا فقط با یک مرد بهشتی همسر می شوند؛ همان تفاوتی است که خداوند حکیم و علیم و خالق مردان و زنان و دانای به تفاوت آنها، در دنیا نیز قرار داده است؛ آن هم با این اختلاف مهم که طبق حدیثی در کتاب کافی بهشتیان قبل از ورود به آنجا، از چشمه آبی می آشامند که از جمله حسودی از قلوبشان می رود.

علاوه بر اینکه طبق حدیثی در کتاب اختصاص زنان مؤمنه بهشتی از حوریان برترند، و طبق حدیثی در مستدرک الوسائل برخی از حوریان خادمین برخی از زنان بهشتی می باشند.

ثالثاً:

بدون شک تکذیب توصیف های موجود در مورد بهشت، عین تکذیب قرآن است؛ و باز کردن راه فرار و توجیهاتی از این قبیل نیز که منظور آن است که با آموختن درس معرفت این موارد گفته شود، و اصلاً مگر در بهشت جنسیت مطرح است و ، باز جز اینکه جرم گوینده آن را به خاطر سخن بدون علم گفتن در دین خداوند افزون کند، چیزی را عوض نمی نماید.

و- و در مورد انکار و تکذیب بدون قید، و حتی تمسخر احادیث مربوط به فوائد و شفا بخشی برخی از سوره ها و آیات توسط ایشان؛ در مورد کسی که برخی از آیات خود قرآن را صراحتاً تکذیب می کند، در این مورد چه انتظار می رود؟
وگرنه در مورد شفا بخشی مگر خود قرآن اعلام نمی کند که:

«و از قرآن آنچه را که از برای مؤمنین شفا و رحمت است نازل می کنیم»

و آن خداوندی که در سبب های مادی و داروها شفا قرار داده است، بدون شک قادر است که در قرائت قرآن نیز برای مؤمنین شفا قرار دهد.